



مرکز مدیریت حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مدیریت امتحانات

بسمه تعالی

امتحانات ارتقائی - مرداد ۱۳۸۸

پاسخنامه

رجال	موضوع :	۷	پایه :
۸	ساعت :	۸۸/۵/۲۰	تاریخ :

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، کل کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. موضوع علم درایه و غایت آن است. ب ۱۶
 - أ. محدث - شناختن حال راوی
 - ب. حدیث - شناختن حالات عارض بر متن و سند
 - ج. شیخ اجازه - معتبر بودن طریق آنان
 - د. مشایخ الثقات - شناخت وثاقت اساتیدشان
۲. اولین تألیف در علم رجال، کتاب است. د ۵۷
 - أ. عبدالله بن جبلة کنانی
 - ب. حسن بن محبوب
 - ج. علی بن حسن بن فضال
 - د. عبید الله بن ابی رافع
۳. کدام یک از کتب زیر از کتب رجالی معتمد نزد مشهور اهل سنت نیست؟ د ۴۹۰
 - أ. لسان المیزان
 - ب. تهذیب التهذیب
 - ج. میزان الاعتدال
 - د. الاستیعاب
۴. به کدام گروه زیر «واقفیه» می‌گویند؟ أ ۴۱۲
 - أ. کسانی که موسی بن جعفر(ع) را امام غائب می‌دانند.
 - ب. کسانی که بر امامت محمد بن اسماعیل متوقف شدند.
 - ج. کسانی که بر امامت حضرت جعفر صادق(ع) متوقف شدند.
 - د. کسانی که اسماعیل بن جعفر را امام می‌دانستند.

تشریحی:

۱. چگونه نیاز به علم رجال، با اخبار علاجیه ثابت می‌شود؟ ۲۵

یکی از مرجحات دو خیر متعارض برتری یکی از دو راوی در عدالت، صداقت، فقاقت، ورع می‌باشد برای شناخت راوی برتر از حیث صفات باید به علم رجال مراجعه کرد.

۲. به نظر قُهبائی، شیخ طوسی در رجال کشتی چه تصرفی کرد؟ آیا این نظر صحیح است؟ ۵۹

ایشان معتقد است رجال کشتی متضمن راویان عامه و خاصه بوده است، شیخ طوسی راویان شیعی آن را جدا ساخت. این دیدگاه ناتمام است زیرا اسامی تعدادی از راویان عامی مذهبی که از ائمه روایت نقل کرده‌اند در آن دیده می‌شود.

۳. دو فرق بین رجال ابن داود و خلاصة الأقال علامه حلی را بنویسید. ۱۲۰

۱. علامه کتابش دو فصل دارد فصل اول در کسانی که به آنان اعتماد می‌کند و فصل دوم در کسانی که به روایتشان اعتماد نمی‌کند. ولی ابن داود در فصل اول ممدوحین و مهملین و در فصل دوم مذمومین را ذکر می‌کند.
۲. علامه در قسم اول کسانی را ذکر می‌کند که مدحشان ترجیح دارد و در قسم دوم کسانی که ضعفشان ترجیح دارد ولی ابن داود نام راوی را با کوچکترین مدحی در قسم اول و با کمترین ذمی در قسم دوم ذکر می‌کند.
۳. علامه به منبعی که از آن گرفته اشاره نمی‌کند مگر این که از کتب اصول رجال نباشد ولی ابن داود منبع خود را ذکر می‌کند.

۴. «تعليق در سند» یعنی چه؟ آیا سبب سقوط روایت از حجیت می‌شود؟ ۴۵۰

اگر قسمتی از سند یک روایت با اعتماد بر سند قبلی آن حذف شود به این عمل، تعلیق در سند گویند. و از آن جا که قسمت حذف شده معلوم است سبب ارسال و سقوط روایت از حجیت نمی‌شود.

۵. مختار مصنف در عبارت «تصحیح ما یصح عنهم» چیست؟ به دو دلیل ایشان اشاره کنید.

عبارت کشی فقط بر وثاقت این گروه دلالت دارد به سه دلیل: ۱. این عبارت را در مورد گروه اول از اصحاب اجماع به کار نبرده است. ۲. عده‌ای از اعلام مانند ابن شهر آشوب و علامه همین معنا را فهمیده‌اند. ۳. متبادر از این عبارت فقط تصدیق و توثیق این گروه است.

* «الخامس هل المراد من قوله " فإن كان ممن يعلم أنه لا يرسل إلا عن ثقة موثوق به فلا ترجیح لخبر غيره علی خبره " هو الانسان الموثوق به سواء كان امامياً أم غيره أو خصوص العدل الامامی». ۲۲۳

۶. با توجه به عبارت، سه معنایی که ثقة در آن استعمال می‌شود و تفاوت آنها را بنویسید.

۱. ثقة به معنای صدوق در مقابل کذب به کار می‌رود و در این صورت مقید به حدیث آورده می‌شود و می‌گویند: ثقة فی الحدیث.
۲. ثقة یعنی محترز از معاصی، خواه امامی باشد یا غیر آن، که در صورتی که راوی غیر امامی باشد روایتش موثقه می‌شود نه صحیح.
۳. محترز از معاصی به شرط امامی بودن که به روایتش «صحیح» اطلاق می‌گردد.

۷. طریقه نوشتن احادیث کتاب «من لایحضره الفقیه» با احادیث «کافی» چه تفاوتی دارد؟ ۳۸۰

شیخ کلینی نام تمام واسطه‌ها و راویان بین خود تا معصوم را ذکر می‌کند مگر در مواردی که با اعتماد بر سند روایت قبل قسمتی از سند را حذف می‌کند ولی شیخ صدوق، از کتب اصحاب روایات را نقل کرده و طریق خود به آن کتب را در مشیخه ذکر می‌کند.

۸. «کیسانیه» چه کسانی هستند و چه اعتقاد بارزی دارند؟ (نظر مصنف) ۴۰۵

کیسانیه کسانی هستند که به امامت محمد بن حنفیه بعد از امیر المؤمنین - علیه السلام - معتقدند و گروهی از آنان به زنده بودن او اعتقاد دارند و گروهی امامت را پس از او به دیگری منتقل شده می‌دانند.

۹. علت وقوع اسامی مشترک در اسناد روایات چیست؟ ۴۷۳

مؤلفین کتابهای روایی گاهی در ابتدای کتابشان به نام راوی با تمام مشخصاتش اشاره می‌کردند ولی در سندهای پس از آن نام او را به طور مجمل می‌آوردند و این سبب اشتراک می‌شده است.

پایه:	۸	موضوع:	رجال
تاریخ:	۹۴/۰۵/۲۲	ساعت:	۱۸

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

- التفکیک بین علم الرجال و علم التراجم بالتحداد موضوعهما ذاتاً و إختلافهما حیثیةً..... التفکیک بینهما بأنهما یتحدان موضوعاً یختلفان معمولاً. أ ۱۵
 - صحيح نظير
 - غير صحيح نظير
 - صحيح بخلاف
 - غير صحيح بخلاف
- قد يقال: «كل من أهمل النجاشي في الفهرس القول فيه فذلك آية أن الرجل عنده سالم عن كل مطعن» و هذه الدعوى ج ۶۲
 - تثبت وثاقته و عدالته
 - تثبت خصوص كونه شيعياً ما دام لم يصرح بالخلاف
 - لا تثبت له شيئاً
 - لا تثبت كونه شيعياً و إن لم يصرح بالخلاف
- أقدم فهرس عام لكتب الشيعة هو فهرس أ ۱۰-۱۰۹
 - الشيخ أحمد بن الحسين بن عبيدالله الغضائري
 - أبي الفرج محمد بن إسحاق المعروف بابن النديم
 - الشيخ أبي الحسن منتجب الدين الرازي
 - الحافظ محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني
- أولین کسی که به کتاب «الضعفاء» ابن غضائری دست یافت، چه کسی بود؟ ب ۸۲
 - علامه حلی
 - سید احمد بن طاوس
 - حسن بن داود حلی
 - شیخ حسین بن عبد الصمد

تشریحی

* قيل: لو قلنا باعتبار قول الرجالي من باب الشهادة يجب أن يجتمع شرائطها التي منها الاعتماد على الحسن دون الحسن و من المعلوم عدم تحقق هذا الشرط لعدم تعاصر المعدل و المعدل غالباً و الجواب يشترط في الشهادة أن يكون المشهود به أمراً حسياً أو يكون مبادئه قريبة من الحسن و عليه فيمكن إحراز عدالة الراوي غير المعاصر. ۴۰-۱

- أ. اشكال مذکور بر «علم رجال» را تقرير کنید. ب. ضمن بيان مثال برای «أو يكون مبادئه قريبة من الحسن» جواب اشكال را توضیح دهید.

أ. اگر قول رجالی از باب شهادت حجت باشد پس باید شرایط شهادت در او جمع باشد که یکی از آن شرایط اعتماد بر حسن است در حالیکه در بحث رجال، عنصر حسن مفقود است؛ چون رجالی معدل، هم عصر شخص معدل (راوی) نیست تا حال او را حس کرده باشد.

ب. مثال: العدالة؛ فإنه غير حسّي ولكن مبادئه حسّية من قبيل الالتزام بالفرائض و النوافل و الاجتناب عن اقتراف الكبائر. توضیح جواب: يمكن احراز عدالة الراوي (المعدل) غير المعاصر من الشيعاء و الإمارات و القرائن المنقولة متواترة عصرأ بعد عصر المفيدة للقطع أو الاطمینان.

* حکم بعض العلماء بعدم ثبوت نسبة كتاب الضعفاء لابن الغضائري مستدلاً بقول الشيخ أن ما ألفه ابن الغضائري أهلك قبل أن يستنسخ حيث قال: «و اخترم هو (ابن الغضائري) و عمّد بعض ورثته إلى إهلاك ... الكتب ...» و لا يخفى و هن هذا الدليل لأن كتابه الضعفاء غير ما ألفه حول الأصول و المصنّفات و هو غير كتاب الممدوحين و تعمّد الورثة على إهلاك الأولين لا يكون دليلاً على إهلاك الآخرين. ۸۹-۹۱

۲. وجه استدلال و دليل و هن را توضیح دهید.

وجه استدلال: از آنجا که ابن غضائری به موت اخترامی (قبل از چهل سالگی) در گذشت و وارثان او کتاب‌های او را از بین بردند، پس نمی‌شود ادعا کرد کتاب ضعفاء مال ابن غضائری است.

دلیل و هن: ابن غضائری چهار کتاب داشت: کتاب اول در زمینه اصول و کتاب دوم در مصنّفات و کتاب سوم در مورد ممدوحین و کتاب چهارم در مورد ضعفاء، و اینکه ورثه او دو کتاب اول او را بعد از فوتش از بین بردند دلیل نمی‌شود که دو کتاب دیگر او را هم از بین برده باشند.

* ممّا أخذ على المامقانی خلطه فی تنقیح المقال بین المهمل و المجهول فإنک لا ترى فيه إلّا المجاهیل فدرج التسمین تحت المجهول و قد ذبّ العلامه الطهرانی هذا الإشکال عن مؤلفه لقوله: «... لو لم یظفر المتنبّع بشیء من ترجمة أحوال شخص فلا یجوز التسارع علیه بالحکم بالجهالة لکثرة مدارک معرفة الرجال» فمراده من المجهول أنه مجهول عندی و لم أظفر بترجمة من أحواله. ۱۳۵-۶

۳. أ. مقصود از «مهمل» و «مجهول» چیست؟ ب. اشکال بر مامقانی و دفع آن را توضیح دهید.

أ. مهمل: من لم یذكر فی کتاب الرجال مدحه و لا قدحه. مجهول: من صرّح أئمة الرجال فيه بالمجهولية.

ب. اشکال: مامقانی مهمل و مجهولها را در کتاب تنقیح المقال به یک چوب رانده و همه را مجهول حساب کرده است با اینکه به تصریح علماء، مهملین را نباید مجهول دانست. دفع: خود مامقانی در جای فرموده است که اگر متنبعی همه مظانّ استعلام حال راوی را کاوش کرد لکن به ترجمه شفافی نرسید حق ندارد سریعاً حکم به مجهولیت کند؛ چرا که راهای شناخت حال رجال منحصر به ابزار متعارف مورد استفاده نیست؛ بنابر این محتمل است که تلاش بیشتر منجر به نتیجه شفافی گردد. پس این کلام مامقانی قرینه است بر اینکه مقصود او از مجهول، مجهول مصطلح نیست بلکه منظورش این است که ترجمه فلان راوی کما هی برای من مشخص نشد.

۴. چرا شهادت «مشایخ ثلاثة» بر صحت روایات کتابهایشان، از قبیل شهادت در امر حدسی است نه حسّی؟ چرا شهادت در امر حدسی، حجت نیست؟ ۴۹

۱. لأنّ المشایخ لم یروا بأعینهم ولم یسمعوا بأذانهم صدور روایات کتبهم وأنّما انتقلوا إليها عن قرائن و شواهد جرّتهم إلى الاطمینان بالصدور وهو اخبار عن الشیء بالحدس.

۲. إنّ حجّیة الخبر تثبت بثبوت أمرین: الأول: عدم التعمّد بالکذب وهذا ثابت فی الخبر الحسّی والحدسی لفرض عدالة الراوی؛ والثانی: رفع احتمال الخطأ والاشتباه وهو مرتفع بالأصل العقلائیّ المسلمّ بینهم لکن ذلك الأصل مختصّ بالخبر الحسّی ولا یجری فی الخبر الحدسیّ.

* قد سلك الصدوق فی کتاب من لا یحضره الفقیه مسلكاً غیر ما سلكه الكلینی فإنّ ثقة الإسلام یذكر جمیع السند غالباً إلّا قليلاً، اعتماداً علی ما ذكره فی الأخبار السابقة وهو بنی من أوّل الأمر علی اختصار الأسانید وحذف أوائل الأسناد ثم وضع فی آخره مشیخة یعرف بها طریقته إلى من روی عنه. ۷۴

۵. «اعتماداً» دلیل چیست؟ فرق مذکور بین دو کتاب را بیان کنید.

اعتماداً دلیل بر مستثنی است (یعنی گاهی وقتها سند را حذف می کند بدلیل اعتماد بر اسناد مذکور در اخبار قبلی) فرق: مبنای صدوق بر حذف اول سند و آوردن سند کامل در مشیخه است اما کلینی برخی اوقات اوائل اسناد را حذف می کند چون در سند قبل ذکر شده است.

۶. فرق میان «معالم العلماء» و «فهرست منتجب الدین» را بنویسید. ۱۱۰

با این که سید عز الدین یحیی (امامزاده یحیی ری شهری) از منتجب الدین خواسته بود که به پیروی از کار شیخ و برای تکمیل آن - علاوه بر ذکر اسامی مشایخ - مؤلفات آنها را هم بنویسد و او هم قبول کرده بود ولی بعد از اشتغال از این کار عدول کرد و فقط نام شخصیت های علمی شیعه را نام برد و ذکری از مؤلفات و مصنّفات آنها نکرد فقط از مصنّفات صد نفر نام برد ولی ابن شهر آشوب در تمام مواضع معالم العلماء به همان روش شیخ طوسی عمل کرده است.

* بناءً علی اعتبار قول الرجالی من باب الشهادة قد یقال بعدم صحّة الاكتفاء بشهادة العدل الواحد فی تزکیة الراوی لأنّ اشتراط العدالة فی الراوی یقتضی اعتبار العلم بها و ظاهر أنّ تزکیة الواحد لا یفیده بمجردّها و الاكتفاء بالعدلیین مع عدم إفادتهما العلم إنّما هو لقیامهما مقامه شرعاً فلا یقاس تزکیة الواحد علیه. ۱۵۸

۷. ربط عبارت های «لأنّ اشتراط...» و «و الاكتفاء بالعدلیین...» به قبل را توضیح دهید.

«لأن اشتراط...»: دليل بر عدم صحّت اکتفاء به عادل واحد است. توضیح: چون شرط کردن عدالت در راوی، لازمه اش اعتبار علم به عدالت است (احراز) و واضح است که صرف تزکیه عدل واحد، مفید علم نیست.

«و الاکتفاء..»: جواب از اشکال مقدر است. اشکال: اگر صرف تزکیه مفید علم به عدالت نیست پس چرا تزکیه دو عادل را می پذیرد در حالی که تزکیه دو عادل هم مفید علم نیست.

جواب: شارع مقدّس تزکیه دو عادل را تعبداً علم حساب کرده، پس یک عادل را نباید به دو عادل قیاس کرد.

* اختلف فی المقصود من الموصول فی قول الکشی: «أجمعت العصابة فی تصحیح ما یصحّ عنهم و تصدیقهم» فقیل إن المراد تصدیق حکایاتهم (لا مرویاتهم) و أورد المحدث النوری علی هذا القول بأنّه لو کان المراد ما ذکره اکتفی الکشی بقوله: «أجمعت العصابة علی تصدیقهم» و بأنّ أئمة فنّ الحديث و الدراية صرّحوا بأنّ الصحّة و الضعف و القوّة و ... من أوصاف متن الحديث فالمراد بالموصول متن الحديث و الجواب عن الأول أنّه إنّما یرد لو قدّم قوله «و تصدیقهم» فی الذکر علی قوله «تصحیح ما یصحّ عنهم» و عن الثانی بأنّ الصحّة یقع وصفاً للسند و المتن معاً.

۱۷۸-۸۵

۸ اشکال محدث نوری بر احتمال مذکور و جواب هر یک را توضیح دهید.

اشکال اول: اگر مقصود کشی از «تصحیح» تصدیق بود دیگر عطف (و تصدیقهم) را نمی آورد؛ چون لغو می شد.

اگر «تصدیقهم» قبل از «تصحیح» آمده بود اشکال وارد می شد؛ چون با آمدن مبین، نیازی به آوردن لفظ غیر شفاف (تصحیح) نمی شد. امام وقتی «تصحیح» را ابتداءً آورده طبعاً نیاز به توضیح وجود داشت.

اشکال دوم: علمای حدیث و درایه تصریح دارند که احکامی مثل صحّت بر متن حدیث بار می شود و لذا مقصود از موصول (ما یصحّ) باید مروی و حدیث باشد نه تصدیق حکایات.

جواب: صحّت مصطلح (چه به معنای تمامیت و چه به معنای ثبوت) از اوصاف سند و متن هر دو است (بنابراین مرجع مزبور مفید نیست و به حال هیچ طرف نفعی ندارد).

* إن جماعة من الرواة وصفوا فی كتب الرجال بصحة الحديث، ولا یمکن الحكم بصحة حدیث راو علی الإطلاق إلاّ من جهة وثاقته و وثاقه من بعده الی المعصوم و احتمال کونه من جهة القرائن فاسد. ۱۹۹

۹. استدلال فوق (بر وثاقت مشایخ کسانی که متصف به صحت حدیث اند) را توضیح دهید.

از اطلاق صحت الحدیث معلوم می شود که اساتید پس از آن راوی تا امام معصوم ثقه اند و الا حدیث او صحیح نخواهد بود و احتمال این که در همه احادیث شخص، قرائن دال بر صحت باشد، بعید است.



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات ارتقای - شهریور ۱۳۹۰

پاسخنامه

پایه :	۸	موضوع :	رجال
تاریخ :	۹۰/۶/۱۹	ساعت :	۱۸

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. الأدلة الأربعة دلّت على حرمة العمل ب ۲۱
 - أ. بالظنون الرجالية
 - ب. بغير العلم
 - ج. بخبر الواحد
 - د. بالظن المطلق
۲. روش تألیف کدام یک از کتاب‌های رجالی زیر، به حسب طبقات راویان است؟ ب ۷۰-۵۸
 - أ. رجال نجاشی
 - ب. فهرست شیخ طوسی
 - ج. رجال کشی
 - د. رجال ابن داود
۳. «معالم العلماء» تألیف کدام دانشمند است؟ ا ۱۱۳
 - أ. محمد بن علی بن شهر آشوب
 - ب. شیخ منتجب الدین رازی
 - ج. صلاح الدین صفدی
 - د. شیخ حرّ عاملی
۴. کدام گزینه بنا بر مبنای عقلا در خبر واحد صحیح است؟ ا ۱۵۶
 - أ. يجوز الركون الى توثيقات المتأخرين المتخصصين الماهرين في علم الرجال إذا أوجب الوثوق بالخبر.
 - ب. لا يجوز الركون الى توثيقات المتأخرين المتخصصين الماهرين في علم الرجال وإن أوجب الوثوق بالخبر.
 - ج. لا يجوز الاعتماد على توثيقات المتأخرين دون تضعيفاتهم مطلقاً.
 - د. يجوز الاعتماد على تضعيفات المتأخرين دون توثيقاتهم وإن أوجب الوثوق.

تشریحی:

* «قد يقال: إن مسائل العلم لا بد أن تكون كلية لا جزئية وعند ذلك فقد يستشكل في تسمية علم الرجال بالعلم». ۱۲

۱. اشکال فوق را تقریر کنید. یکی از دو پاسخ مؤلف از این اشکال را بنویسید.

گفته‌اند: مسائل هر علمی باید به صورت قضایای کلی بیان شود ولی مسائل علم رجال که بحث از وثاقت و ضعف راوی است، جزئی می‌باشد نه کلی، لذا نمی‌توان آن را علم نامید.

پاسخ مؤلف: ۱. نتیجه‌ای که از علم رجال گرفته می‌شود به صورت کلی است یعنی می‌توان گفت: کلّ ما یرویه محمد بن مسلم فهو حجة، همین مقدار برای نامیدن رجال به علم، کافی است.

۲. دلیلی بر این که مسائل علم باید کلی باشد نداریم بلکه بسیاری از علوم موضوعشان جزئی است، مانند علم هیئت و جغرافیا.

* «إن عدالة الراوی لا طریق إليها إلا بالرجوع الى كتب أهل الرجال ولا يثبت بذلك التعديل المعبر لعدم العبرة بالقرطاس». ۳۶

۲. با توجه به عبارت مقصود از «التعديل المعبر» چیست؟ پاسخ اشکال مذکور را بنویسید.

تعديل معتبر به توثیقی گویند که توثیق کننده شفاهاً به عدالت کسی تصریح کند.

پاسخ: عقلا به نوشته ای که استناد آن به مؤلفش ثابت باشد، اعتماد می‌کنند همان گونه که به گفته‌های شفاهی او نیز اعتماد می‌نمایند. از این روست که به اقاریر و وصایا عمل می‌کنند.

۳. کدام ویژگی رجال کشی، این کتاب را از بقیه کتب رجالی ممتاز می‌کند؟ ۶۰

کشی با نقل روایات مستند در شأن راویان، راهی را برای توثیق و تضعیف آنان باز کرده است.

۴. تفاوت دیدگاه علامه و ابن داود با متأخرین در مورد اصطلاح «مجهول» چیست؟ ۱۲۲

علامه و ابن داود، لفظ مجهول، را در مورد کسی به کار می‌برند که علمای متقدم رجال نسبت به او چنین صفتی را گفته باشند ولی در اصطلاح متأخرین اعم است از این فرد و کسی که در کتب رجالی نامش نیامده باشد یا بدون مدح و ذم آمده باشد.

۵. «مجمع الرجال» تألیف کیست؟ ویژگی آن چیست؟ ۱۲۷

تألیف فُهپائی - کتب رجالی متقدمین را با کتاب ابن غضائری یک جا جمع کرده است.

۶. محقق خوئی با نوشتن کتاب «معجم الرجال» دو خدمت بزرگ به علم رجال کرد، آن دو را توضیح دهید. ۱۴۶

۱. با مراجعه به تفصیل طبقات راویان می‌توان به مشایخ و تلامذ او و کمال و نقصان سند دست یافت.

۲. با مراجعه به کتاب ایشان، بخش کثیری از مشترکات حل می‌گردد.

۷. چه نسبتی بین خبر ثقه و موثوق الصدور است؟ ۱۵۵

عموم و خصوص من وجه است زیرا ممکن است خبری موثوق الصدور باشد و از راه قرائن و شواهد به صدور آن اطمینان پیدا شود و ناقل آن ضعیف باشد و ممکن است راوی ثقه باشد و اطمینان به صدور روایتش پیدا نشود.

۸. نقایصی را که در تألیفات رجالی متأخرین دیده می‌شود، نام ببرید. ۱۳۹

۱. غالب کتابهای رجالی، تقلیدی از ائمه رجالی متقدم است. ۲. وقوع تصحیف و تحریف در بسیاری از اسانید روایات. ۳. وجود اسامی مشترک در سلسله سند روایات.

* «ان احتمال الخلاف و الوهم فی کلام العادل ینشأ من احد امرین، الاول: التعمد فی الکذب و هو مرتفع بعدالته. الثانی احتمال الخطأ و الاشتباه و هو مرتفع بالاصل العقلائی المسلم بینهم من اصالة عدم الخطأ و الاشتباه لکن ذاک الاصل عند العقلاء مختص بما اذا اخبر بالشیء عن حس لا ما اذا اخبر عنه عن حدس و لأجل ذلك لا یكون قول المحدث حجة الا لنفسه و المقام من هذا القبیل (ای شهادة المشایخ الثلاثة علی صحة روایات کتبهم)». ۴۹

۹. أ. چرا احتمال «تعمد در کذب» در عادل وجود ندارد؟ ب. چرا قول مُحدث برای دیگران حجت نیست؟

أ. چون گناه است و گناه از عادل علی الفرض صادر نمی‌شود.

ب. چون بناء عقلاء بر دفع احتمال خطا از اخبار حسّی است نه نظر و حدس.

پاسخنامه مدارس شهرستانها

پایه :	۸	موضوع :	رجال
تاریخ :	۹۱/۰۶/۱۲	ساعت :	۱۸

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. موضوع علم رجال و غایت آن به ترتیب چیست؟
 ا. محدث - شناختن حال راوی
 ب. حدیث - شناختن حالات عارض بر متن و سند
 ج. شیخ اجازه - معتبر بودن طریق آنان
 د. مشایخ الثقات - شناخت وثاقت اساتیدشان
۲. ما وضع لذكر الأصول و المصنّفات و ذكر الطرق إليها غالباً هو ...
 ا. كتاب الفهرس
 ب. علم الدرايه
 ج. علم التراجم
 د. علم الرجال
۳. مؤلف كتاب «مجمع الرجال» کیست؟
 ا. ابن شهر آشوب
 ب. قهپایی
 ج. ابن ادریس حلی
 د. تفرشی
۴. اول من نقل الإجماع علی تصحیح ما یصحّ عنهم ...
 ا. الکشی
 ب. الطوسی
 ج. ابن شهر آشوب
 د. السید بن طاووس

سؤالات تشریحی:

۱. به نظر مؤلف، بحث از وثاقت مشایخ ثقات و مشایخ اجازه و مانند آن، مربوط به علم رجال است یا علم درایه؟ چرا؟
 هرچند در بعضی از کتب درایه متعرض این امور شده‌اند، حق این است که بحث از این امور بحث از وثاقت راویان است لیکن به نحو عام و گسترده، لذا باید در علم رجال مطرح گردد.

- * إن عدالة الراوی لا طریق إليها الا بالرجوع الی کتب أهل الرجال ولا یثبت بذلك التعديل المعتبر لعدم العبرة بالقرطاس. ۳۶ (ع: ۱ و ۲ د: ۱)
۲. مقصود از «التعديل المعتبر» چیست؟ ب. پاسخ اشکال مذکور را بنویسید.

ا. تعديل معتبر به توثیقی گویند که توثیق کننده شفاهاً به عدالت کسی تصریح کند. ب. پاسخ: عقلاً به نوشته ای که استناد آن به مؤلفش ثابت باشد، اعتماد می‌کنند همان گونه که به گفته‌های شفاهی او نیز اعتماد می‌نمایند. از این روست که به اقاریر و وصایا عمل می‌کنند.

۳. آیا می‌توان به شهادت مشایخ ثلاثه بر صحت روایات کتاب هایشان اعتماد کرد؟ چرا؟
 خیر؛ چون خبر و شهادت عادل در صورتی که عن حسن باشد حجت است و اخبار این مشایخ حدسی است نه حسّی.

۴. چه انگیزه‌ای نجاشی را به نوشتن کتاب رجال واداشت؟
 گفتار برخی از مخالفان و معاندان شیعه که آنان اصل و اساسی ندارند و از تألیف کتاب و مؤلفین بی‌بهره‌اند.

۵. آیا گنجاندن کتاب الضعفاء در کتاب حلّ الاشکال از جانب سید بن طاووس، دلیل بر اعتبار کتاب الضعفاء در نزد سید است؟ چرا؟ ۸۲

خیر؛ زیرا غرض از گنجاندن این کتاب اطلاع علماء بر نظر رجالیون در حق راوی است نه معتبر بودن آن.

۶. به سه مزیت از مزایای رجال ابن داود اشاره کنید. ۱۱۴

۱. مشتمل بر اصول اربعه رجالی. ۲. علاوه بر اصول رجالی، در بردارنده رجال ابن غضائری، عقیقی، فضل بن شاذان، ابن عقده و احمد بن عبدون است. ۳. ذکر اسامی راویان به ترتیب حروف الف با. ۴. بخش اول کتابش حاوی اسامی مهمّین و ممدوحین و بخش دوم آن مجروحین و مجهولین است. ۵. در آخر قسم اول پنج فصل و در آخر قسم دوم ۱۷ فصل اضافه می‌کند. ۶. در خاتمه ۹ فائده رجالی می‌آورد.

۷. تفاوت میان «توثیقات خاصّه» و «توثیقات عامّه» را توضیح دهید. ۱۵۱

المراد من التوثیقات الخاصّة التوثیق الوارد فی حقّ شخص أو شخصین من دون أن یکون هناك ضابطة خاصّة تعمّهما و غیرهما والتوثیقات العامّة هی توثیق جماعة تحت ضابطة و عنوان معین.

* لا یمکن الاستدلال علی وثاقه شخص بروایة نفسه عن الامام فإنّ اثبات وثاقه الشخص بقوله یمتثلزم الدور الواضح. ۱۵۲ (ع: ۱ د: ۱)

۸. دور مذکور را تقریب کنید.

وثاقت شخص متوقف بر صحت خبر او و صحت خبر او متوقف بر وثاقت اوست و این دور واضح و باطل است.

* اختار المحقّقون أنّ أدلّة حجیّة خبر الواحد تختصّ بما إذا نقل قول المعصوم عن حسنّ لا عن حدس و ناقل الاجماع ینقله حدساً لا حسناً و ذلك من ناحیتین:

الاولی: من ناحیة السبب ...، الثانیة: من ناحیة المسبب ۱۷۵ (ع: ۱ و ۲ د: ۲)

۹. دلیل محققین در «الأولی: من ناحیة السبب ...» را توضیح دهید.

ناقل اجماع همه علماء را ندیده و نمی‌تواند ببیند؛ لذا از دیدن نظر عده‌ای از فقها حدس می‌زند که سایر فقها نیز همین نظر را دارند.

پایه :	۸	موضوع :	رجال
تاریخ :	۹۲/۰۶/۰۱۰	ساعت :	۱۸

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره راره نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. کدام گزینه صحیح نیست؟ **ب ۱۶**

أ. موضوع علم درایه، حدیث است

ج. موضوع علم رجال، محدث است

۲. کدام گزینه از تألیفات شیخ طوسی است؟ **ج ۷۰**

أ. خلاصة الأقوال

ب. تنقیح المقال

۳. با توجه به سیره عقلا در خبر واحد، کدام گزینه صحیح است؟ **أ ۱۵۶**

أ. یجوز الركون إلى توثیقات المتأخرین إذا أوجب الوثوق بالخبر

ب. لا یجوز الركون إلى توثیقات المتأخرین مطلقاً

ج. لا یجوز الاعتماد على توثیقات المتأخرین دون تضعیفاتهم

د. لا یجوز الاعتماد على تضعیقات المتأخرین دون توثیقاتهم

۴. المناط فی حجیة الظن الرجالی **ج ۱۵۹**

أ. انسداد باب العلم والعلمی فی الرجال

ب. انسداد باب العلم فی الأحكام

ج. انسداد باب العلم والعلمی فی خصوص الأحكام

د. انسداد باب خصوص العلم فی الرجال

تشریحی

۱. تفاوت «علم رجال» و «علم تراجم» در چیست؟ (یکی از سه تفاوت آن را توضیح دهید). **۱۵**

۱. موضوع دو علم با هم تفاوت دارد؛ زیرا موضوع علم رجال، راویان حدیث و موضوع علم تراجم، شخصیت‌های مؤثر در اجتماع می‌باشد.

۲. محمول علم رجال، وثاقت وضعف راوی است ولی محمول در علم تراجم، تأثیرهای اجتماعی و غیر آن می‌باشد.

۳. غرض از تألیف رجال، شناختن حال راویان برای دستیابی به احادیث صحیح است. ولی غرض از علم تراجم شناخت اوضاع و احوال

اجتماعی و تاریخی می‌باشد.

* قد سَلَكَ الصَّدُوقُ فِي كِتَابِ «مَنْ لَا يَحْضَرُهُ الْفَقِيه» مُسَلِّكاً غَيْرَ مَا سَلَكَه الْكَلِينِي فَإِنَّ ثِقَةَ الْإِسْلَامِ يَذْكَرُ جَمِيعَ السُّنَدِ غَالِباً إِلَّا قَلِيلاً، اعتماداً على ما ذكره

في الأخبار السابقة وأما الصدوق في كتاب «مَنْ لَا يَحْضَرُهُ الْفَقِيه» فهو بنى من أوَّل الأمر على اختصار الأسانيد وحذف أوائل الأسناد ثم وضع في آخره

مشيخة يعرف بها طريقه إلى من روى عنه. ۷۴

۲. «اعتماداً» دلیل چیست؟ فرق مذکور بین دو کتاب را بیان کنید.

اعتماداً دلیل بر مستثنی است (یعنی گاهی وقت‌ها بدلیل اعتماد بر اسناد مذکور در اخبار قبلی سند را حذف می‌کند)

فرق: مبنای صدوق بر حذف اول سند و آوردن سند کامل در مشیخه است اما کلینی برخی اوقات اوائل اسناد را حذف می‌کند، چون در

سند قبل ذکر شده است.

۳. جوامع رجالی که بر منهج قدما نگارش یافته، چه نقایصی دارد؟ **۱۳۹**

۱. تقلید از ائمه رجالی متقدم، در بیان خصوصیات راویان ۲. طبقاتی نبودن کتب رجالی متأخر تا بتواند مشکل تصحیفات و تحریفاتی را که

در اسناد احادیث کتب اربعه و غیر آن راه یافته است، حل کند ۳. حاوی تمییز مشترکات نبودن.

۴. تفاوت میان «توثیقات خاصه» و «توثیقات عامه» را توضیح دهید. ۱۵۱

المراد من التوثیقات الخاصه التوثیق الوارد فی حق شخص أو شخصین من دون أن یكون هناك ضابطه خاصه تعمهما و غیرهما والتوثیقات العامه هی توثیق جماعه تحت ضابطه و عنوان معین.

۵. أ. مراد از «اصحاب اجماع» چیست؟ ب. چه کسی اولین بار در کتاب خود، اصحاب اجماع را مطرح کرد؟ ۱۶۳

أ. والمراد من أصحاب الإجماع عدّه من الرواۃ، إجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم بحیث إذا صحّت الروایه إلیهم فلا یلاحظ من بعده من الرواۃ إلی المعصوم وان كان فیهم من صرّح بضعفه. ب. کشی.

* الظاهر أن الغضائری له مذاق خاص فی تصحیح الروایات و توثیق الرواۃ فقد جعل إتقان الروایات فی المضمون، حسب مذاقه، دلیلاً علی وثاقه الراوی و یشهد علی ما ذکرنا أن الشیخ و النجاشی ضعفا محمد بن أورمه و لكن ابن الغضائری أبراه عنه فنظر فی کتبه و رواياته كلها متأملاً فیها فوجدها نقیه لا فساد فیها. ۹۸

۶. مدعی مصنف را با دلیل توضیح دهید.

تضعیقات ابن غضائری مورد پذیرش نیست. دلیل: چون تضعیقاتش مستند به حسن نیست و این مطلب از سخنش در مورد محمد بن اورمه به دست می آید.

* من مزایا رجال ابن داود أنه سلك فیہ مسلكاً لم یسبقه أحد من الأصحاب لأنه رتبه علی الحروف الأول فالأول من الأسماء و أسماء الآباء و الأجداد و جمع ما وصل إلیه من کتب الرجال کفهرس الشیخ و النجاشی و رجال الکشی و جعل کتابه فی جزئین الأول یختص بذكر الموثقین و المهملین و الثانی بالمجروحین و المهملین. ۱۱۴

۷. با توجه به عبارت، دو امتیاز رجال ابن داود را توضیح دهید.

۱. بر اساس حروف الفبا مرتب کرده است ۲. کتابش را در دو بخش «ممدوحین» و «مجروحین و مهملین» تدوین کرده است.

* متعلق الإجماع فی قول الکشی «أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح جماعه» موضوع من الموضوعات و الإجماع علی موضوع و لو كان محصلاً لیست حجه فکیف إذا كان منقولاً و فیہ: أنه یكفی فی شمول أدله حجه خبر الثقة له کون المخبر به مما یترتب علی ثبوته أثر شرعی. ۱۷۸-۱۷۶

۸. اشکال و جواب را توضیح دهید.

اجماع کشی حجت نیست؛ چون اجماع محصل، در موضوعات حجت نیست پس اجماع منقول از کشی که در موضوع است قطعاً حجت نیست. جواب: لغو نبودن جعل حجیت برای تعبد به حجیت توسط شارع کافی است.

* ذهب الأخباریون بعد القول بقطعیه روایات الکتب الأربعة إلی لغویه البحث عن حال الراوی من حیث الوثاقه و عدمها لأجل طلب الاطمینان بالصدور و المفروض أنها قطعیه الصدور لكن هذا دعوی بلا دلیل إذ کیف یمکن ادعاء القطعیه لأخبارها مع أن مؤلفیها لم یدعوا ذلك مع أن أدله الأحكام الشرعیه لا تختص بالکتب الأربعة. ۳۵

۹. مدعی اخباریین و اشکالات مصنف را توضیح دهید.

مدعا: احتیاج به علم رجال نداریم چون نهایت چیزی که از رجال به دست می آید اطمینان به صدور خبر است و این نتیجه أسوء از تحصیل حاصل است چون روایات کتب اربعه قطعی الصدور است.

اشکالات: ۱. ادعای قطعیت، قول بلا دلیل است چون خود مؤلفین کتب اربعه به صدور اخبار موجود در کتبشان قطع ندارند ۲. ادله شرعی در غیر کتب اربعه نیز وجود دارد و کسی قطعیت سایر کتب را ادعا نکرده است.

امتحانات آموزش غیر حضوری

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت آموزش و امور حوزه‌ها
اداره ارزشیابی و امتحانات

اسفند ۱۳۹۳

پایه:	۸	موضوع:	رجال
تاریخ:	۹۳/۱۱/۳۰	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سوالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. استدلال علی الحاجة إلى علم الرجال بالروایات الدالة علی وجود الوضّاعین و المدّسین فی الرواة و الاستدلال بهذه الروایات ب ۲۶
- أ. غیر صحیح مطلقاً ب. صحیح مطلقاً ج. صحیح لو كانت متواترة د. صحیح لو كانت آحاداً معتبرة
۲. علی رأی المصنّف، سکوت النجاشی عن مدح الراوی علی کونه شیعیاً إمامياً. أ ۶۲
- أ. لا يدلّ علی مدحه ولكن إن لم یصرّح بالخلاف يدلّ ب. لا يدلّ علی مدحه كما لا يدلّ
- ج. يدلّ علی مدحه كما يدلّ د. يدلّ علی مدحه ولكن - إن لم یصرّح بالخلاف - لا يدلّ
۳. الأقرب أن المراد بالبرقی (مؤلف رجال البرقی) هو ج ۷۲
- أ. أحمد بن محمد بن خالد البرقی صاحب المحاسن ب. عبد الله بن أحمد البرقی الذی یروی عنه الكلینی
- ج. أحمد بن عبدالله بن أحمد البرقی الذی یروی عنه الصدوق د. سعد بن عبدالله بن أبی خلف البرقی
۴. إن أول من وجد کتاب الضعفاء لابن الغضائری هو أ ۸۲
- أ. أحمد بن طاووس الحلّی ب. العلامة الحلّی ج. ابن داوود د. المحقّق الكلّی

تشریحی

۱. علم رجال را تعریف کرده، موضوع و مسائل آن را بیان کنید. ۱۲
- علم یبحث فیہ عن أحوال الرواة من حیث اتصافهم بشرائط قبول أخبارهم و عدمه - موضوع: رواة الحدیث الواقعیین فی طریق الحدیث - مسائله: هو العلم بأحوال الاشخاص من حیث الوثاقه و غیرها.
- * إن علم الرجال علم منکر یجب التحرّز عنه لأنّ فیہ تفضیحاً للناس و قد نُهِینا عن التّجسس عن معایبهم و فیہ أولاً: النّقض بیاب المرافعات و أنّ الأحکام الإلهیة أولى بالتحفّظ من الحقوق الّتی أشیر إليها. ۴۰
۲. اشکال به علم رجال و دو پاسخ آن را تقریر کنید.
- اشکال: در سایه دانش رجال، اوصاف و خصوصیات ناشایست (عیوب) مردم فاش می‌شود در حالی که در شریعت، عیب جویی مورد نهی قرار گرفته است.
- پاسخ اول: (نقضی) در باب مرافعات هم این افشاء و تفضیح صورت می‌گیرد مثل اینکه منکر، شهود مدعی را مجروح و تکذیب می‌کند.
- پاسخ دوم: (حلّی) هدف از استعمال مشخصات و احوال رجال، تحفّظ بر حکم الهی است و اگر امر دایر باشد بین حفظ حقوق افراد و تحفّظ بر احکام الهی، دومی مقدّم است.
۳. دو قول در تعلیل معتبر نبودن طعون ابن غضائری بیان کنید. مختار مصنف کدام است؟ ۹۳
- قول اول: علت عدم اعتبار، تسرّع ابن غضائری به جرح روات است. (جرح مُفرط) - قول دوم: در جرح و تعدیل به طرق حسّی استناد نکرده بلکه به استنباطات و اجتهادات شخصی تکیه کرده است. مختار مصنف: قول دوم می‌باشد.

۴. بین «مجهول» در اصطلاح علامه و ابن داوود با «مجهول» در اصطلاح متأخرین چه تفاوتی وجود دارد؟ ۱۲۲

المجهول فی کلامهما غیر المهمل الذی عنوانه الرجالیون و لم یضعفوه بل المراد منه من صرح أئمة الرجال فیه بالمجهولیة و هو أحد ألفاظ الجرح لكن المجهول فی کلام المتأخرین أعم منه و من المهمل الذی لم یذكر فیه مدح و لا قدح ...

۵. مؤلف «معجم رجال الحديث» کیست؟ خصوصیت آن چیست؟ ۱۴۶

السید الخوئی و من خصائص هذا الكتاب هی أنه قد ذکر فی ترجمة کل شخص جمیع رواته و من روی هو عنهم فی الكتب الأربعة.

* إختلف العلماء فی أنه هل یکتفی فی تزکیة الراوی بشهادة العدل الواحد أو لا؟ علی قولین استدلل صاحب المنتقی لثانیهما بأن اشتراط العدالة فی الراوی یقتضی اعتبار العلم بها و الظاهر أن تزکیة الواحد لا یفید بمجردھا و الاكتفاء بالعدلیین مع عدم إفادتهما العلم إنما هو لقیامهما مقامه شرعاً فلا یقاس تزکیة الواحد علیه. ۱۵۸

۶. أ. مدعای قول دوم و دلیل آن چیست؟ ب. ربط عبارت «و الاكتفاء بالعدلیین ...» به قبل را توضیح دهید.

أ. قول دوم می گوید وقتی در راوی عدالت شرط است پس باید آن را احراز کنیم و تزکیه و مدح یک عادل، مثبت عدالت مؤکد و ممدوح نمی شود. (مدعا + دلیل). ب. جواب اشکال مقدر است که اگر تزکیة عدل واحد به خاطر عدم افاده علم، معتبر نیست پس باید تزکیه دو عادل هم معتبر نباشد لا اشتراکھا معها فی العلة. که جواب می دهد: تزکیة دو عادل به دلیل شرعی و خارجی خارج شده است؛ وگرنه اگر مجوز شرعی نداشتیم در آنجا هم همین حرف را می زدیم.

* المحققون علی عدم حجیة الإجماع المنقول بخبر الواحد لأن أدلة حجیة خبر الواحد تختص بما إذا نقل قول المعصوم عن حس لا عن حدس و نقلة الإجماع ینقلونه حدساً لا حساً فإنهم یجعلون اتفاق العلماء دليلاً علی موافقة قولهم لقول الإمام حدساً لا حساً مع أن الملازمة بین ذاك الاتفاق و قول الإمام غیر موجودة. و علی ذلك فناقلاً للإجماع ینقل المسبب حدساً و هو خارج عن مورد أدلة الحجیة. ۱۷۵-۶

۷. مقصود از «مسبب» و «فإنهم یجعلون ...» را بیان کنید.

مسبب: قول امام. ناقلین از مجرد اتفاق الكل، به موافقت و هم نظری امام براس منتقل می شوند در حالی که عقلاً بین آن دو ملازمه ای نیست و اتفاق کل نازل منزلة سماع و حس از معصوم و امام نیست.

۸. قرائن صحّت مضمون اخبار آحاد را بنویسید. ۱۸۹

أن یكون موافقاً لأدلة العقل - أن یكون الخبر مطابقاً لنص الكتاب - أن یكون الخبر موافقاً للسنة المقطوع بها - أن یكون موافقاً لما أجمعت علیه الفرقة المحقة.

۹. به نظر مصنف، آیا انحصار استناد صحّت حدیث به وثاقت راوی صحیح است؟ چرا؟ توضیح دهید. ۲۰۰-۱

خیر؛ چون صحّت حدیث همان طوری که از طریق وثاقت راوی کشف می شود از طریق قرائن خارجی هم کشف می شود. بنابر این وقتی صحّت اعم است (از نظر محرز) از اعم نمی توان به اخص منتقل شد لذا به صرف صحّت حدیث نمی توان پرده از وثاقت راوی برداشت.

پایه:	۸	موضوع:	رجال
تاریخ:	۹۵/۰۵/۱۱	ساعت:	۱۶

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره رازه نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. طبق نظر مصنف، کدام گزینه دلیل احتیاج به علم رجال نمی‌باشد؟
 - ج ۲۵
 - ا. وجود جاعلان حدیث در میان راویان
 - ب. وجود راویان اهل سنت در سند روایات
 - ج. تألیف کتب غیر متقن حدیثی به وسیله راویان غیر مشهور
 - د. رجوع به صفات راوی در اخبار علاجیه
۲. کدام یک از مشخصات ذیل، از امتیازات «رجال نجاشی» است؟
 - ب ۶۲
 - ا. ترجمه راویان شیعه و سنی
 - ب. اختصاص به رجال شیعه
 - ج. ذکر راویان بر اساس طبقه ایشان
 - د. توثیق و تضعیف راویان از طریق روایات اهل بیت
۳. کدام یک از جوامع رجالی ذیل، تعلیقه و نقدی است بر «تنقیح المقال»؟
 - ج ۱۳۶
 - ا. معجم رجال الحدیث
 - ب. نقد الرجال
 - ج. قاموس الرجال
 - د. الفوائد الرجالیة
۴. توثیقات و تضعیفاتی که در کتب رجالیون قدما است، مستند به کدام یک از امور ذیل نیست؟
 - د ۴۵
 - ا. النقل و السماع
 - ب. الوجدان فی الكتاب الثابت نسبتہ الی مؤلفه
 - ج. الشهرة و الاستفاضه
 - د. الحدس و الاجتهاد

تشریحی

۱. با توجه به عبارت «العلماء يتحدان موضوعاً و لكن الموضوع في كل واحد يختلف بالحيثية»، تفاوت دو دانش رجال و تراجم در «موضوع» را بیان کنید. ۱۵

موضوع دانش رجال، راویانی است که در اسناد روایات واقع شده‌اند؛ اگرچه دارای شخصیت اجتماعی نباشند. ولی موضوع علم تراجم، شخصیت‌هایی است که در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، صنعت و ... نقش آفرینی کرده‌اند؛ اگر چه راوی نباشند.

* إن الاخبار العلاجية تأمر بالرجوع الى صفات الراوي من الاعدلية و الافقهية، حتى يرتفع التعارض بين الخبرين بترجيح احدهما على الآخر في ضوء هذه الصفات. ۲۵

۲. ا. منظور از اخبار علاجیه چیست و چگونه دلیل بر نیازمندی ما به علم رجال است؟ ب. دو دلیل دیگر بر نیازمندی به علم رجال را بنویسید. ا. روایاتی که می‌گوید هنگام تعارض بین دو روایت، به صفات راویان هر دو روایت نگاه کنید. هر کدام که از نظر عدالت و فقاهاً بالاتر بود، آن روایت را ترجیح دهید. علت نیازمندی: فقط با علم رجال است که می‌توانیم بر صفات راوی وفاق شویم و این مسأله در علم رجال ذکر شده است. ب. حجیت قول ثقه - وجود وضاعین در میان راویان - وجود راویان عامی در اسناد روایات - اجماع علما بر نیازمندی به علم رجال.

۷۷ رجال نجاشی

رجال برقی

رجال ابن غضائری

تنقیح المقال

۳. ا. کدام یک از منابع اصلی رجال، ناظر بر فهرست شیخ طوسی است؟

ب. در کدام یک از منابع اصلی رجال شیعه، مطلبی درباره توثیق و تضعیف راویان نیامده است؟

ج. کدام کتاب رجالی برای اولین بار توسط سید بن طاووس یافت شد؟

د. گسترده ترین منبع رجالی شیعه کدام است؟

۴. نظر نهایی مؤلف کتاب در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار رجال ابن غضائری چیست؟ ۱۰۳

از آنجایی که توثیقات و تضعیفات ابن غضائری مستند به حس و شهود و شنیدن از مشایخ و ثقات نبوده است، بلکه مستند به حدس و استنباط و خواندن متن روایات بوده است و قضاوت وی در حق راویان نیز بر این اساس است، چنین شهادتی چه در تضعیف و چه در توثیق، حجت نخواهد بود. و کلام او تنها در غیر این موارد (مثل توصیف راوی به کوفی یا بصری یا واقفی یا فطحی بودن) حجت است.

۵. دو مورد از فرق‌های «خلاصة الاقوال» علامه و «رجال ابن داود» را بنویسید. ۱۲۰

۱. قسم اول خلاصه الاقوال مختص به روایانی است که به روایاتشان عمل می‌شود و قسم دوم، روایانی است که به روایاتشان عمل نمی‌شود.
۲. علامه حلی روایان اختلافی را فقط در یک بخش ذکر می‌کند ولی ابن داود در هر دو بخش می‌آورد.
۳. علامه وقتی از کشی و نجاشی و شیخ و برقی نقل قول می‌کند، به قائل اشاره نمی‌کند. ولی ابن داود به قائل تمام اقوال اشاره می‌کند.
۴. علامه در بخش اول، فقط ممدوحین را می‌آورد ولی ابن داود، در بخش اول، مهملین را نیز ذکر می‌کند.

۶. کدام توثیق را «خاص» و چه توثیقی را «عام» می‌گویند؟ ۱۵۱

به توثیقی که در حق یک یا چند نفر مشخص وارد شود بدون آن که قاعده و ضابطه عامی باشد که بتوان آن را به دیگران سرایت داد، توثیق خاص می‌گویند. منظور از توثیق عام، توثیق گروهی از افراد است که تحت ضابطه خاص و عنوان معین قرار دارند.

۷. چهار مورد از راه‌های به دست آمدن توثیق خاص را بنویسید. ۱۵۱

۱. تصریح یکی از معصومان علیهم‌السلام
۲. تصریح (توثیق) یکی از دانشمندان قدما
۳. تصریح یکی از دانشمندان متأخر
۴. ادعای اجماع از طرف قدما
۵. مدحی که کاشف از حسن ظاهر است
۶. جمع آوری قرائن بر وثاقت راوی.

۸. نظر مصنف را درباره توثیقات علمای متأخرین تبیین کنید. ۱۵۶

با توجه به حجیت خبر موثوق الصدور، اگر دیدگاه یکی از رجالیان متأخر، که در رجال ماهر و متخصص هستند، موجب اطمینان و وثوق شود، می‌توان دیدگاه ایشان را پذیرفت و به توثیقات ایشان اعتماد نمود (مخصوصاً در موقعی که قرائن نظریه خود را نیز ارائه دهد).

* إن الاصحاب و إن تلقوه (اصحاب اجماع) بالقبول، لكن ذلك التلقى لا يزيدنا شيئاً، لأنهم اعتمدوا على نقل الكشي و لولاه لما كان من ذلك الاجماع اثر، و لاجل ذلك نرى ان الشيخ لم يذكره في كتابي الرجال و الفهرست، و أن ذكر الشيخ في رجال الكشي لا يدل على كونه مختاراً عنده. ۱۷۵

۹. با توجه به عبارت فوق، آیا کثرت نقل «اصحاب اجماع» از سوی رجالیان بعد از کشی، می‌تواند مؤید این نظریه باشد؟ چرا؟
خیر، زیرا مستند تمام علمای رجال بعد از کشی، عبارت و ادعای کشی است و اگر وی چنین ادعایی نمی‌کرد، در منابع بعدی نیز اثری از آن را نمی‌دیدیم. مؤید این مطلب، این است که شیخ طوسی علی‌رغم تلخیص کشی، در دو کتاب رجالی اش حرفی از این اجماع به میان نمی‌آورد.

پایه :	۸	موضوع :	رجال
تاریخ :	۹۲/۰۸/۰۸	ساعت :	۱۶

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از اول کتاب تا اول مشایخ الثقات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره زده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. الظاهر عند المحقق التستری أنّ مسلک ابن داود فی رجاله و القدماء هو العمل بروایة ... ج ۲۴
 - أ. الثقات فقط
 - ب. الممدوحین
 - ج. الممدوحین و المهملین الّذین لم یرد فیهم تضعیف الأصحاب
 - د. العدول
۲. با توجه به سیره عقلا در خبر واحد، کدام گزینه صحیح است؟ أ ۱۵۶
 - أ. يجوز الركون إلى توثیقات المتأخرین إذا أوجب الوثوق بالخبر
 - ب. لا يجوز الركون إلى توثیقات المتأخرین
 - ج. لا يجوز الاعتماد على توثیقات المتأخرین دون تضعیقاتهم
 - د. لا يجوز الاعتماد على تضعیقات المتأخرین دون توثیقاتهم
۳. کدام گزینه غلط است؟ ب ۱۶
 - أ. موضوع علم درایه حدیث است
 - ب. غایت علم درایه فهم روایات است
 - ج. موضوع علم رجال محدث است
 - د. غایت علم رجال، شناخت صفات راوی است
۴. کدام گزینه درباره رجال ابن غضائری، مطابق با نظر مصنف است؟ د ۹۹-۹۱
 - أ. این کتاب از ابن غضائری نیست
 - ب. دلیل عدم اعتنا به تضعیقات ابن غضائری، تسرع در تضعیف است
 - ج. تضعیقات شیخ و نجاشی، بر تضعیقات ابن غضائری مقدم است
 - د. تضعیقات ابن غضائری اجتهادی است

تشریحی

- * ان احتمال الخلاف و الوهم فی کلام العادل ینشأ من احد أمرین، الاول: التعمد فی الکذب و هو مرتفع بعدالته. الثانی احتمال الخطأ و الاشتباه و هو مرتفع بالاصل العقلای المسلم بینهم من اصالة عدم الخطأ و الاشتباه لكن ذاك الأصل عند العقلاء مختصّ بما إذا أخبر بالشیء عن حسٍّ لا ما إذا أخبر عنه عن حدس و لأجل ذلك لا یكون قول المحدث حجة إلا لنفسه و المقام من هذا القبیل (ای شهادة المشایخ الثلاثة على صحّة روایات کتبهم). ۴۹
۱. چرا احتمال «تعمد در کذب» در عادل وجود ندارد؟ ب. چرا قول مُحدث برای دیگران حجّت نیست؟
 - أ. چون عادل است و کذب حرام را مرتکب نمی شود.
 - ب. چون احتمال خطا منتفی نیست. احتمال خطا به سیره عقلا فقط در مورد اخبار حسی منتفی است.
 ۲. دو مورد از تفاوت‌های «رجال نجاشی» و «رجال شیخ» را بیان کنید. ۶۲ و ۶۸
 ۱. اختصّ رجال النجاشی بر رجال الشیعة، و لا یذكر من غیر الشیعی إلا اذا كان من الذین رووا عنهم أو صنّف لهم. ولكن الشیخ استقصی أصحاب النبی ص
 - اسمیه و الأئمة و من روی عنهم، عدلاً كان، أو ظالماً، أو فاسقاً، إمامياً كان أو معانداً أو مخالفاً
 ۲. تعرّض النجاشی لجرح الرواة و تعدیلهم غالباً، استقلالاً أو استطراداً و لكن الشیخ یذكر عدّة أسماء و لا یذكر فی حقّهم شیئاً من الوثاقعة و الضعف بل یعدّهم من أصحاب الرسول و الأئمة فقط.

* لقد اختلفت نظريات العلماء حول كتاب الضعفاء للغضائري اختلافاً كبيراً فمن ذهب أنه مختلق لبعض معاندى الشيعة أراد به الوقعة فيهم، إلى قائل بثبوت الكتاب ثبوتاً قطعياً وأنه حجة ما لم يعارض توثيق الشيخ والنجاشي، إلى ثالث بأن الكتاب له وأنه نقاد هذا العلم ولا يقدم توثيق الشيخ والنجاشي عليه إلى رابع بأن الكتاب له غير أن جرحه وتضعيفه غير معتبر؛ لأنه لم يكن في الجرح والتضعيف مستنداً إلى الشهادة ولا إلى القرائن المفيدة للإطمئنان بل إلى اجتهاده في متن الحديث. ٩١

٣. اقوال مذکور درباره کتاب ضعفاء غضائری را بنویسید.

١. کتاب توسط معاندین شیعه جعل شده است. ٢. کتاب قطعی الثبوت است و در جائی که با سخن نجاشی و شیخ معارضه نکند حجت است. ٣. کتاب قطعی الثبوت است و سخنش بر شیخ و نجاشی مقدم است چون نقاد این فن است. ٤. کتاب قطعی الثبوت است ولی جرح و تعدیلش چون مستند به حدس است حجت نمی باشد.

٤. «مجهول» در اصطلاح علامه، ابن داود و متأخرین را تعریف کنید. ١٢٢

علامه و ابن داود این اصطلاح را در مورد کسانی به کار می برند که ائمه رجال به مجهولیت شان تصریح کرده باشند؛ بر خلاف متأخرین که آن را در اعم از این افراد و کسانی که هیچ مدح و ذمی درباره آنان نرسیده، استعمال می کنند.

٥. محقق خویی با نوشتن کتاب «معجم الرجال» دو خدمت بزرگ به علم رجال کرد، آن دو را توضیح دهید. ١٤٦

١. با مراجعه به تفصیل طبقات راویان می توان به مشایخ و تلامیذ او و کمال و نقصان سند دست یافت.

٢. با مراجعه به کتاب ایشان، بخش کثیری از مشترکات حل می گردد.

٦. یکی از راه های ارائه شده برای حجیت همه توثیقات متأخرین را توضیح دهید. ١٥٤

١. لو كان الرجوع الى علماء الرجال من باب الرجوع الى أهل الخبرة لا من باب الشهادة أمكن الرجوع الى المتأخرين أيضاً لأنه لا يشترط في الاعتماد على قول أهل الخبرة أن يكون نظره مستنداً إلى الحسن.

٢. لو كان الحجية لم تنحصر في خبر الثقة بل كان الخبر الموثوق بصدوره عن المعصوم أيضاً حجة يجوز الرجوع إلى توثیقات المتأخرین المساهرين فی هذا الفن إذا كان قولهم ورأيهم أوجب الوثوق بصدور الخبر.

٧. نام چهار نفر از اصحاب إجماع که فقط از اصحاب امام صادق (علیه السلام) هستند را نام ببرید. ١٦٦

١. جميل بن دراج. ٢. عبد الله بن مسكان. ٣. عبد الله ابن بكير. ٤. حماد بن عيسى. ٥. حماد بن عثمان. ٦. أبان بن عثمان.

٨. احتیاج به علم رجال را با توجه به اخبار علاجیه ثابت کنید.

در این روایات اوصاف روات را دلیل ترجیح دانسته اند و دانستن این اوصاف مثل اوثقیت و ...، غالباً با مراجعه به کتب رجال ممکن است.

٩. از ادله کسانی که احتیاج به علم رجال را نفی می کنند «الخلافة في معنى العدالة والفسق» است. آن را توضیح داده، نقد کنید. ٣٨

دلیل: ان الخلافة العظیم فی معنى العدالة والفسق يمنع من الأخذ بتعديل علماء الرجال بعد عدم معلومیة مختار المعدل فی معنى العدالة ومخالفته معنا فی المبنى.

نقد: ١. ان المؤلف لو صرح بمذهبه فی مجال الجرح والتعديل يؤخذ به وإن ترك التصريح به فالظاهر أنه يقتفی أثر المشهور فی ذلك المجال. ٢. إن

مراجعة علماء الرجال إنما هو من باب التبیّن الحاصل على كل حال. (توجه: یکی از دو جواب کافی است.)